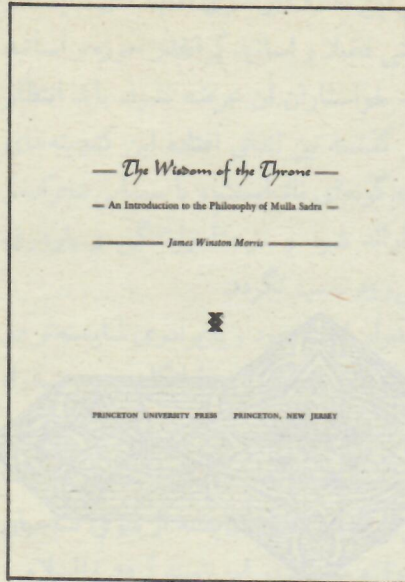


ترجمه حکمة العرشیه را که با فاصله زمانی بیست سال از ترجمه فرانسوی مشاعر صورت می پذیرد باید فتح باب تازه ای در زمینه ارائه آثار اصیل و گرانقدر حکمت اسلامی به جهان غرب به شمار آورد. جیمز وینستون مورس مترجم عرشیه در زمره آن گروه از شرق شناسان جای دارد که نه از سر تفنن، بلکه بجد در پی معرفی دستاوردهای حکمای مسلمان به غریبان بر آمده و در این تلاش تا حد زیادی به موفقیت دست یافته است.^۱

مورس در دیباچه کتاب غرض خود را از ترجمه این اثر بدینسان باز می نماید:



عرشیه ملاصدرا علی پایا

The Wisdom of the Throne. (An Introduction to the Philosophy of Mulla Sadra.). James Winston Morris. Princeton University press. Princeton, New Jersey. 1981.

دانشگاه پرینستون به تازگی در سلسله انتشارات آسیایی خود ترجمه انگلیسی حکمة العرشیه آخوند ملاصدرا را انتشار داده است. تا آنجا که نگارنده به خاطر دارد این دومین اثر صدرالمتألهین است که به زبانهای اروپایی نشر می یابد. پیش از این به سال ۱۹۶۴/۱۳۴۲ ترجمه فرانسوی کتاب مشاعر از سوی قسمت ایرانشناسی انستیتوی ایران و فرانسه به چاپ رسیده بود.

گرچه از زمانی که غریبان برای اولین بار با نام صدرالدین شیرازی آشنا شدند تا روزگار ما، آثار متعددی در جهت معرفی شخصیت و آثار این فرزانه بزرگ به زبانهای مختلف اروپایی به رشته تحریر در آمده است، اما از سر تأسف باید اعتراف کرد که در میان این انبوه کتب و مقالات تنها معدودی حاوی اطلاعات بالنسبه صحیح و تحلیلهای عمیق و درخور اعتنا هستند. از جمله این آثار می توان به شرح مفصلی که پروفسور هنری کربن بر ترجمه فرانسوی مشاعر نگاشته و نیز مقدمه ای که پروفسور ایزوتسو بر کتاب شرح غررالفرائد حاجی سبزواری افزوده، اشاره کرد.

همه قسمتهای این کتاب - ترجمه متن، مقدمه، و یادداشتها- بدین نیت تنظیم شده است که فلسفه ملاصدرا را تا حد امکان برای خوانندگان کنونی آثار او در شرق یا غرب که با صور و اهداف و سنن و رسوم زمان ملاصدرا آشنا نیستند قابل فهم سازد. هر چند که مشکل واقعی و صعوبت درک آثار صدرا ناشی از نامأنوس بودن بیان او نیست. فهم این قبیل معارف نیازمند نوعی تجهیز و آمادگی روحی است که ملاصدرا آن را به گونه برزخ میان اجمال و تفصیل در بخش پایانی کتاب عرشیه که ختم و وصیه نام دارد تشریح می کند. از این رو شاید مناسبترین راه شروع این کتاب، مطالعه آخرین بخش آن در ابتدا باشد.

دکتر مورس که خود دو سال (از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶) در ایران به سر برده است، به جهت تماس با برخی از اهل نظر موفق گردید اطلاعات درخوری در خصوص نظام معرفتی صدرا و حکمت متعالیه او به دست آورد، و از این اطلاعات به بهترین وجه در کار ترجمه عرشیه بهره بگیرد.

متن انگلیسی کتاب عرشیه از دو قسمت اساسی تشکیل یافته است: قسمت اول مقدمه ای است نسبتاً جامع و مفصل در شش بخش و بالغ بر ۸۵ صفحه مشتمل بر اطلاعاتی در خصوص زمینه های فلسفی و تاریخی آثار صدرا، طبقه بندی این آثار و بحثهایی درباره مبداء و معاد، و قسمت دوم، که تقریباً $\frac{1}{3}$ حجم کتاب را تشکیل می دهد، در برگیرنده ترجمه متن است. در هر دوی این قسمتها مترجم هر جا که ضرورت ایجاب می کرده است با افزودن پانویس، توضیحات مفیدی را برای تشریح نکات مبهم و مسائل غامض و پیچیده کتاب در اختیار خواننده نواشنا قرار می دهد. تعداد این پانویسها که تقریباً نیمی از حجم کتاب به آنها اختصاص یافته بالغ بر ۳۱۷ مورد است.

مترجم در چهارمین بخش مقدمه، آثار ملاصدرا را به سه مقوله

تقسیم می‌کند:

الف) متون تفسیری، که مهمترین آن تفسیر کبیر و شرح اصول کافی است.

ب) قطعات مناظره‌ای (که به منظور رد آراء اصحاب مذاهب دیگر نوشته شده)، این بخش نسبتاً کوچک شامل دو کتاب کسر اصنام الجاهلیه فی ذم المتصوفین و دیگری رساله سه اصل است در رد آراء اصولیین که تنها اثر مهم صدرا به فارسی است.

ج) آثار فلسفی، که خود به سه بخش زیر تقسیم می‌گردد: ۱. کتب جامع و انتظام یافته که همه موضوعات فلسفی و مسائل الهی (کلامی) را که هسته اصلی حکمت متعالیه را تشکیل می‌دهد، در بر می‌گیرد.

۲. رسائل که به بررسی مسائل مجزا و جداگانه و یا یک مجموعه محدودتر از مسائل مربوط به هم، اختصاص یافته است.

۳. تفاسیر مطول درباره کتب کلاسیک فلسفی نظیر الهیات شفاء و حکمة الاشراف.

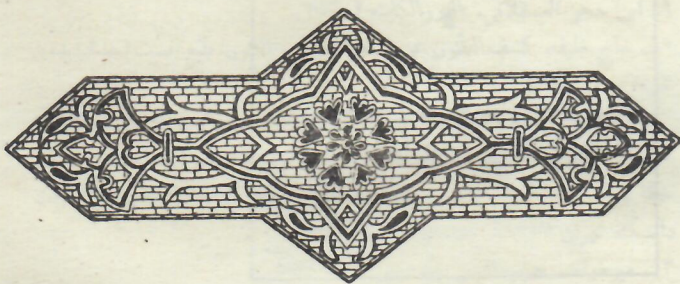
کتاب عرشیه که در دسته «ج. ۱» جای می‌گیرد در واقع خلاصه‌ای از اثر بسیار جامع اسفار است. آثار فلسفی صدرا با وجود تعدد و تنوع ظاهریشان، از ساختمان مشترکی برخوردارند که به اجمال می‌توان آن را چنین توصیف کرد.

همه آثار جامع و فراگیر صدرا و از آن جمله حکمة العرشیه از دو بخش «مبدأ» و «معاد» تشکیل یافته‌اند. موضوعات مربوط به هر یک از این دو بخش به نحوی گسترده در هر یک از آثار جامع، هم از جنبه فلسفی و هم از جنبه مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین قسمت از بخش اول به بحث درباره مفهوم وجود بماهو وجود و مراتب کلی واقیعت اختصاص داده شده. در قالب الفاظ وام گرفته شده از فرهنگ مذهبی، این قسمت‌ها را می‌توان با عنوان خداشناسی و جهان‌شناسی به معنی بررسی رابطه ماهیت حق تعالی و مراتب هستی مشخص ساخت.

بخش دوم با تحقیق درباره ماهیت و واقیعت نهایی نفس، یا انسان به عنوان وجدانی که مراتب هستی در او به منصب ظهور می‌رسد، آغاز می‌شود. این موضوع به مسئله قیامت و آخرت و تفسیر پیامبرانه از داوری بازسین و سرنوشت نهایی انسان مربوط می‌گردد.

بالآخره همان‌طور که صدرا مشخصاً در آخرین عبارت عرشیه تصریح می‌کند، بخش سومی به منزله ادامه و تحقق معاد انسان وجود دارد که در شکل اجتماعی که به وسیله پیامبران بنیاد گذارده شده و توسط جانشینان آنان - ائمه (ع) - نگاهداری و حفظ گردیده



واقیعت می‌یابد. این، آن وضع و حال واقعی است که همه این بحثها از آن نشأت می‌گیرد و ایشان همواره بدان ارجاع و استناد می‌کنند.

ترجمه کتاب از روی نسخه‌ای که آقای غلامحسین آهنی معلم دانشکده ادبیات اصفهان به سال ۱۳۴۱ انتشار داده، صورت گرفته است. تا آنجا که بررسی اجمالی و مطالعه موردی متن امکان می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که ترجمه حاضر، یکی از دقیقترین ترجمه‌های متون فلسفی است. مترجم کوشیده تا امانت را در برگرداندن متن از عربی به انگلیسی به وجه احسن رعایت کند و از جمله پردازشهای منشیانه و پر تصنع که درخور یک متن فلسفی نیست خودداری ورزد و در عین حال هر نوع توضیح و تفسیر اضافی را در پانوشتها درج نماید. مقایسه ترجمه انگلیسی با متن اصلی و ترجمه فارسی آن، صدق این گفتار را مدلل می‌سازد. بر خلاف متن عربی و تا حدودی متن فارسی که در آن دو قواعد نقطه‌گذاری و تنظیم و دسته‌بندی و تفکیک مطالب کمتر رعایت شده، در ترجمه انگلیسی هر یک از قسمت‌ها، به دقت از قسمت‌های دیگر متمایز شده، و به علاوه شماره صفحات متن عربی جا به جا برای سهولت مراجعه، در ترجمه درج گردیده است.

اگر از چاپ زیبا و بی‌غلط نسخه انگلیسی عرشیه که اساساً قابل مقایسه با نسخه فارسی و عربی آن از حیث نفاست چاپ نیست صرف‌نظر کنیم، از جمله مهمترین نکات قابل توجه در

خصوص نشر این اثر در مغرب زمین، کم کاری و غفلت مراکز علمی ما نسبت به ارائه معارف اصیل و گرانقدر اسلامی به دیگر فرهنگهاست. بی شک اگر این معارف از سوی نمایندگان شایسته و اصیل آن در زمان ما - یعنی فضلا و اساتید گرانقدر حوزه و اساتید دانشمند دانشگاهها - به خواستاران آن عرضه نشود، باید انتظار داشت که همچنان که در گذشته نیز اتفاق افتاده این گنجینه‌های گرانبهای معرفت بشری به گونه‌ای ناشایست و با سیمایی محرف و غیر واقعی به دیگران ارائه شود و نتیجتاً زاینده‌گی و باروری مطلوبی را که انتظار می‌رود سبب نگردد.

صاحب این قلم امیدوار است خود و یا برادری شایسته‌تر در اسرع وقت مقدمه و پانوشتهای مفصل ترجمه انگلیسی عرشیه‌را، بخصوص برای اطلاع و استفاده فضیلا محترم حوزه، به فارسی برگرداند، باشد که آگاهی نسبت به آنچه دیگران در معرفی معارف ما صورت می‌دهند، محرکی برای اقدام شایسته از سوی صاحبان صلاحیت و علمای مسئول و متعهد، در این زمینه گردد. والسلام

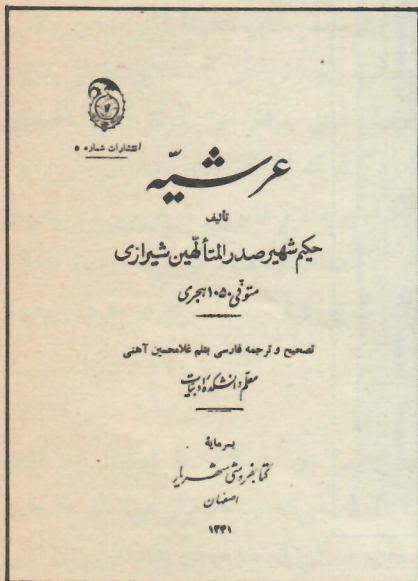
۱. المشاعر با ترجمه فارسی بدیع الملك میرزا عمادالدوله و ترجمه مقدمه و تعلیقات فرانسوی از هنری کرین، از سلسله گنجینه نوشته‌های ایرانی، شماره ۱۰، قسمت ایرانشناسی انستیتو ایران و فرانسه. این کتاب ملاصدرا اخیراً توسط پروفیسور ایزوتسوی ژاپنی هم ترجمه شده است.

۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی و میزان آشنایی با ملاصدرا در مغرب زمین نگاه کنید به مقاله‌ای با همین عنوان به قلم دکتر نصر در مجموعه معارف اسلامی در جهان اسلامی از انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی. گرچه از تاریخ تحریر این مقاله زمان زیادی می‌گذرد و جای بسیاری از اطلاعات تازه در آن خالی است، لکن نکات مطروحه در آن، برای خواننده‌ای که برای اول بار به مطالعه در این زمینه پرداخته خواندنی و قابل استفاده است.

۳. هنری کرین در پیشگفتار کتاب مشاعر چنین می‌گوید: «... آنچه در این کتاب یاد شد، اعم از متن حاضر و شرح حال ملاصدرا و منابعی که درباره وی موجود است و رسائل متعددی که درباره آثار وی تألیف شده، مخصوصاً کتابی که ترجمان و شارح فارسی وی، بدیع الملك میرزا عمادالدوله، تصنیف کرده و نیز همه مصنفاتی که به وسیله ملاصدرا یاد شده، و اسامی نویسندگان آن آثار، همه در بخش فرانسوی کتاب حاضر آورده شده است... علاوه مقدمه و یادداشت‌های ما به زبان فرانسوی شامل ارتباط میباحثی است که ملاصدرا بدانها پرداخته و مکتب فلسفی وی و شیارحین و مفسرین آثار او با فلسفه غرب از آن جمله فلسفه قرون وسطی که از آن باید آغاز کرد. زیرا به سبب ترجمه متون فلسفی از زبان عربی به لاتینی در آن زمان اصطلاحات فنی مشترکی به وجود آمده بود که برای دسترسی بدانها می‌باید از فلسفه قرون وسطی شروع کرد.»

۴. ترجمه فارسی این مقدمه به طور مستقل با عنوان بنیاد حکمت سبزواری (تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملاهادی سبزواری) به شماره ۲۹، در سلسله دانش ایرانی، از انتشارات مؤسسه مطالعات دانشگاه مک‌گیل، شعبه تهران، به اهتمام دکتر جلال‌الدین مجتبیی به چاپ رسیده است.

۵. اینجا بی آنکه قصد متهم کردن در میان باشد باید اضافه کرد که بر اساس واقعیات موجود آنچنان که تجربه نشان داده کمتر شرفشناسی بوده است که فعالیتش صرفاً قرینه-



الی الله و خالصاً لوجه الله بوده باشد. البته وجود استثناء در قاعده را کسی انکار نمی‌کند.

۶. کذافی الاصل. عنوان فرعی کتاب صدرا به طور دقیق چنین است: فی الرد علی متصوفه زمانه

۷. آن طور که از قرائن بر می‌آید این کتاب آخرین اثر مکتوب مرحوم آخوند است. در مقدمه فارسی کتاب (ر. ک پاورقی ۱۰) چنین آمده است: «این کتاب هم از لحاظ اشتمال آن بر اثبات مطالب فلسفی و هم از لحاظ اینکه ظاهراً و بطن غالب آخرین اثر صدراست و بر وجه وجازت نگاشته شده و تمام دقایق و رقایق علمی را با نهایت استادی در بردارد، به طور تحقیق از ارزنده‌ترین آثار حکیم شهیر باید به شمار آورده شود.»

۸. آقای آهنی مترجم فارسی عرشیه در مقدمه خود بر این کتاب در این باره چنین می‌گوید: «وی [صدرا] این کتاب را بر دو مشرق بنیاد گذارده، نخستین مشرق درباره مبدأ و دوم درباره معاد است. در شرق اول از اثبات نخستین هستی و گوهر ذات بسیط که درخشانترین گوهرهاست و تفصیل صفات و اسماء و آیات سخن می‌راند. در شرق دوم از شناخت نفس و مقامات و درجات ذاتی و اطوار گوناگون جان و نیروهای درونی و بیرونی که بدان تخصیص یافته بحث می‌کند و زان پس در پژوهش معاد و چگونگی حشر اجساد و معنی مرگ و قبر و قیامت و صراط و نشر کتب و عرض و حساب و میزان و بهشت و دوزخ و اعراف و طوبی و تجسم اعمال، پایه اندیشه را بر جای بلند استوار می‌سازد.»

۹. این کتاب از سوی انتشارات مولی تجدید چاپ شده است. چاپ کتونی به صورت عکسبرداری از نسخه اصلی است و طبعاً کیفیت آن چندان مطلوب نیست.

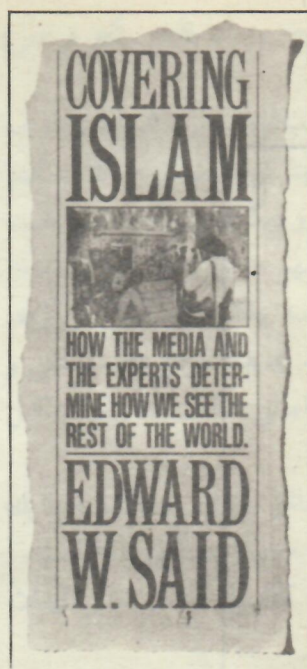
۱۰. حقیقتاً موجب تأسف است که در این مرز و بوم، که در واقع مهد فلسفه صدرایی و حکمت متعالیه به شمار می‌آید، تا آنجا نسبت به احیاء و نشر آثار این فرزانه بزرگ مسلمان کم توجهی شده است که هنوز نمی‌توان نسخه‌ای بی غلط از آثار او که به شیوه‌ای درخور به چاپ رسیده باشد، پیدا کرد. انشاءالله مرکز نشر دانشگاهی و سایر مراکز علمی و فرهنگی در جهت رفع این نقیصه عاجلاً گامهای مؤثری بردارند.

می دهد و می کوشد تا حقایق زیر پرده دیدگاههای غربی را نسبت به شرق، در جریان مبارزات مردم فلسطین برای تحصیل خود-مختاری آشکار سازد.

و اما در کتاب سوم، سرپوشی بر اسلام مسأله نه تنها تازه که بسیار حاد است: از چند سال پیش تاکنون - به ویژه از زمانی که انقلاب اسلامی یکی از قدرتمندترین رژیمهای خود کامه دنیا را سرنگون ساخت و حوادث ایران به شدت مورد توجه اروپاییان و امریکاییان قرار گرفت - رسانه های گروهی (راديوها، تلویزیونها، و مطبوعات) در همه جا پوششی فراگیر بر اسلام افکنده اند: از اسلام تصویر می دهند، تجزیه و تحلیلش می کنند، از آن شواهد فراوان می آورند، و خلاصه اسلام را به صورت فرهنگی عجیب و ابتدایی و منحرف «معرفی» می نمایند.

حتی آن مختصر دانش دست و پا شکسته ای هم که از مراکز مشهور «تحقیقات اسلامی» در غرب عرضه می شود - گرچه از لحاظ فرهنگی بسیار سطحی و حاشیه ای است - به دست این رسانه ها تحریف و به شکل کاریکاتور ارائه می شود. آنچنان که هر جا اتفاقی رخ دهد که جنبه سیاسی یا اقتصادی آن مورد پسند اربابان قدرت نباشد، بی درنگ به سراغ اسلام می روند؛ مراسم نیایش و عزاداری و صحنه های ابراز شوق و شور شهادت مسلمین را نمایش می دهند و با تفسیرهای مغرضانه می کوشند تا اسلام را به چیگرایان خودی آیینی ارتجاعی و قرون وسطایی، و به راستگرایان نشان راه و رسم ظالمانه مشتی اعراب صاحب نفت «گرافروشی» خونخوار دست و پا بُر و منفور معرفی کنند، و به میانه روها آن را چیزی عجیب و مرموز همچون شیوه زندگی بدوی و بسیار ابتدایی گروهی عرب بیابانگرد چادر نشین جلوه دهند.

آن گاه که دانشجویان پیرو خط امام اعضای سفارت امریکا را به گروگان می گیرند تا نه تنها به پذیرفتن شاه سابق از سوی امریکا اعتراض کنند بلکه به دخالت های اهانت بار سالیان دراز امریکا در ایران - که در واقع به مثابه سالها زندانی کردن ایرانیان در سرزمین خودشان بود - پاسخ عملی دهند، رسانه های گروهی فریاد برمی دارند و مسلمانان ایران را، که با وجود آن همه «کمک» امریکا و غرب، به پیشرفت فرهنگی و اقتصادی منطقه، شعار «مرگ بر امریکا» سر می دهند، مردمی حق ناشناس معرفی می کنند. البته مردم غرب فراموش کرده اند که دکتر میلسپو، رئیس کل مالیه شصت سال پیش ایران، علی رغم اعتماد مستوفی الممالک و آن همه حسن ظن مرحوم مدرس به او، خود بیست سال بعد از خاتمه



سرپوشی بر اسلام

Covering Islam. How the Media and the Experts Determine How We See the Rest of the World. by Edward W. Said. London. R. K. P., [1981] 186 P.

سرپوشی بر اسلام سومین اثر ادوارد سعید در شرح و تفسیر روابط جدید میان اسلام و کشورهای غربی است. اولین اثر او، شرق شناسی (Orientalism)، بر اساس «سرایت و نفوذ قدرت بر تمامی جنبه های دانش» تدوین شده و به عوارض کلی و عمومی این امر نظر دارد. سرآغاز کتاب شرح اشغال مصر توسط ناپلئون است؛ سپس تفصیل ویژگیهای دوره استعمار و پیدایش دانش اروپایی «شرق شناسی» در قرن نوزدهم تا خاتمه تسلط امپریالیستی فرانسه و انگلیس بر شرق، و در آخر بیان پیدایش سلطه امریکا، به هیأت استعمار نو، در این منطقه از جهان است.

دومین اثر، با عنوان مسأله فلسطین (The Question of Palestine)، درباره ماهیت عناصر اصلی برخورد میان «حرکت صهیونیستی» - که بعداً اسرائیل شد - با اعراب ساکن فلسطین است که اغلبشان مسلمانند. نویسنده در این کتاب شیوه های اروپایی دست انداختن بر واقعیت های شرقی فلسطین را شرح

خدمتش در ایران نوشته بود: «من مستخدم دولت ایران بودم ولی به من امر شده بود که با سفارت امریکا در تهران تماس کامل داشته باشم».

آنچه این رسانه‌های گروهی، بیش از هر چیز، استتار می‌کنند تاریخ اسلام و فرهنگ غنی و حیاتبخش مسلمین، و نیز نقش ویرانگر دخالت‌های بیگانگان در حیات فرهنگی ملل اسلامی است. و این امر به پیچیدگی درک علل حرکات اخیر ایران کمک می‌کند؛ و بر اثر آن تشخیص مسأله فلسطین برای مردم غرب مشکلتر می‌شود.

رسانه‌های گروهی کاری کرده‌اند که در غرب گروهی، با اذعان به اینکه اطلاع چندان درستی از اسلام ندارند، معتقد شده‌اند که اسلام جز مخالفتش با کمونیسم هیچ خصیصه قابل اعتنایی ندارد. و مضحك این واقعیت است که اغلب کشورهای ضدکمونیست در دنیای اسلامی با رژیم‌های سرکوبگر طرفدار امریکا اداره می‌شوند.

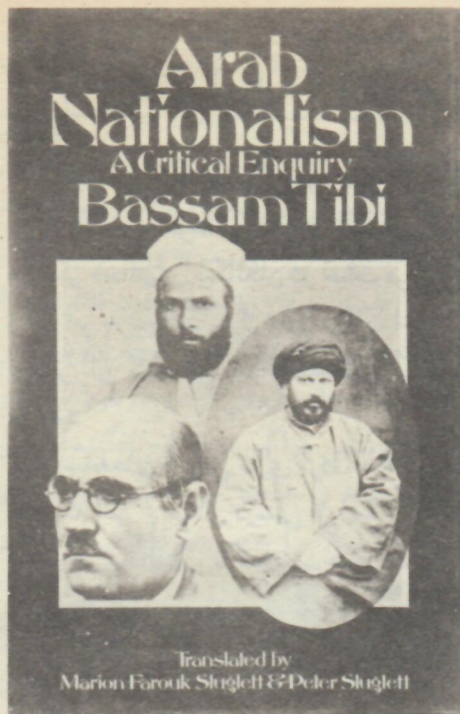
بحث درباره اسلام را، شرق شناسان سطحی نگر - که در حال حاضر، به قول ادوارد سعید، حتی يك نفر غیر وابسته به دولت‌ها یا دستگاه‌های اقتصادی میانشان نیست - همراه با سیاستمداران نزدیک نگر و اقتصاددانان ظاهر بین، چنان از طریق رسانه‌های گروهی دگرگون جلوه داده‌اند که همه جا - چه در شرق و چه در غرب - بی اغراق باید گفت که دانش اسلام‌شناسی معطوف به ارضای علایق یکی از منابع قدرت است. و این امر خود نه تنها افکار عمومی مردم غرب را دچار انحراف کرده که تصمیم‌گیری مردان سیاسی را نیز دچار تزلزل ساخته است.

کشمکش‌های میان غرب و اسلام - رجز خوانی‌ها و جواب‌های آن - عامل بسته شدن درهای آزموده همکاری دوطرف است. تا آنجا که به قول نویسنده «این همه هیاهو فضای سیاسی ویژه ای می‌سازد که در آن هر يك از دو طرف اعمال خود را توجیه می‌کند و در ضمن راه‌های متفاوتی را که طرف دیگر احتمالاً می‌تواند اختیار کند می‌بندد تا با فشار هرچه بیشتر او را در راه مورد نظرش براند.»
دیپلمات عالی رتبه امریکایی «بروس لین» کاردار سفارت امریکا در تهران، در نامه ای که در شهریور ۱۳۵۸ (اوت ۱۹۷۹ م.) به «ونس» وزیر خارجه امریکا نوشته، اخلاق و روحیه «عموم» ایرانیان را چنین وصف می‌کند: «مردمی بیش از حد خود سر و بدبین و بی اعتماد نسبت به امور دنیا و در عین حال معتقد به قدرت فعال مایشاء قاهری که در هر وضع و حال پشتیبان آنهاست؛ سطح

فکرشان کاملاً بازاری است و حاضر نیستند ذره ای منفعت آتی را فدای منافع بزرگ آتی کنند؛ و نیز، چون ارتباط منطقی و علی میان واقعیت جهان بیرون و واژه‌های زبان را درک نمی‌کنند به قولشان هیچ نمی‌توان اعتماد کرد.» این نامه چند روز پس از آزادی گروگانها در روزنامه نیویورک تایمز چاپ شد تا تأثیر سخن بعضی از گروگانها را درباره حقیقت آنچه بر آنان گذشته بود خنثی سازد. نویسنده این نامه، و رسانه‌های مبلغ این گونه کلی باقیهای بی منطق، می‌خواهند وانمود کنند که اگر ایرانیان مسلمان چنین‌اند، غریبها بعکس مردمی بیگناه و مطیع قانون، خوش بین، منطقی و واقع بین، دوراندیش و قابل اعتماد هستند - گویی که روسو، کافکا، کتاب مقدس، بکت، بورس نیویورک و جین آستین در غرب نبوده و نزیسته و نبالیده‌اند!

باری، نویسنده سرپوشی بر اسلام، با استناد به آنچه رسانه‌های گروهی غرب انجام می‌دهند، هشدار می‌دهد که «این گونه معرفی اسلام در جهان، ممکن است منجر به دامن زدن آتش جنگ سردی از نوع جدید، و یا محرك احساس نرفتهای تازه نژادی، و یا بهانه نقل و انتقالات نظامی معطوف به اشغال احتمالی، و بالاخره موجب بدنام کردن بیشتر مسلمانان و اعراب گردد.»

ادوارد سعید خود اعتراف می‌کند که به اندازه حضرات مشاوران متخصص اسلام‌شناسی، و یا گروهی از روشنفکران مدعی، نسبت به توضیح اعتقادات و انتشار استنباطات اسلامی تعصبی ندارد و اساساً در آن راه گام نمی‌نهد؛ زیرا یقین دارد که در اوضاع و احوال کنونی، ارائه واقعیت‌هایی که سبب تحرك جوامع و مردم در يك گوشه جهان است، پیش از آنکه مورد حسن استفاده سایر ملل دنیا قرار گیرد، اسباب سوءاستفاده اربابان قدرت و در نتیجه مانع تفاهم میان ملتها می‌شود. اما چون احساس می‌کند در میان مردم امریکا، نسبت به اطلاعات ساخته و پرداخته ای که تحویلشان می‌شود، کم‌کم نظر انتقادی و شک به وجود آمده است، و علی‌رغم علایق خاص حضرات الهام‌بخش گردانندگان رسانه‌های گروهی، بخشی از مردم مایلند خود با نظر انتقادی واقعیتها را بسنجند، دست به نگارش کتاب سرپوشی بر اسلام زده و بر آن شده است تا با امید بستن به دیدگاه‌های انتقادی مردم غرب، سؤالهای درستی درباره وضعیت وخیم موجود، و آثار مترتب بر آن، طرح کند و توجه خوانندگان هوشمند را به جواب‌های مناسبی که یافته است جلب نماید.



ناسیونالیسم عرب، یک پژوهش انتقادی.

Arab Nationalism, A Critical Enquiry. by Bassam Tibi. Edited and Translated by Marion Farouk - Sluglett and Peter Sluglett. Hong Kong, Macmillan, 1981. 286 p.

پروفسور طیبی به سال ۱۹۴۴ در دمشق متولد شد. پس از تکمیل دوره ابتدائی و متوسطه در سوریه، وارد دانشگاه فرانکفورت آلمان شد، و در آنجا به سال ۱۹۷۱ دکترای خود را دریافت کرد. همان سال در فرانکفورت استاد مساعد (استادیار) و کمی بعد استاد شد. آثار دیگر او سوسیالیسم و نظامی گری در جهان سوم (۱۹۷۳) و سیاست جهانی و بررسی تحولات آن (۱۹۷۹) نام دارد. طیبی از سال ۱۹۷۳ به بعد به مقام استادی علوم سیاسی در دانشگاه گوتینگن برگزیده شده است.

طیبی در این کتاب تأثیر ناسیونالیسم و نقش آن را در انقلابها و دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی «جهان سوم» با در نظر گرفتن ظهور آن در خاورمیانه بعنوان یک نمونه، تجزیه و تحلیل می کند. وی بویژه توجه خود را به دوره پس از جنگ عالمگیر اول متمرکز می سازد، و بیان می کند که چگونه در آن روزگار بسیاری از روشنفکران عرب، به سبب اشغال شدن کشورهایشان به وسیله نیروهای دولتی بریتانیا و فرانسه، از تمایل به آن دو دولت سر

نویسنده کتاب سرپوشی بر اسلام مدعی است اگر کسانی باشند که بخواهند درباره اسلام - درباره مردان و زنانی که در فرهنگهای متنوع اسلام زیست می کنند، به زبان آن مقصود یکدیگر را می فهمند، در هوای آن استنشاق می کنند، و بالاخره تاریخ و اجتماعات متنوع اسلامی را می سازند - تحقیق انتقادی خالی از پیشداوری انجام دهند، می توانند در این کتاب ملاکهای تشخیص صحیح از سقیم را بیابند. و علاوه، خواهند توانست به رابطه بسیار حساس میان «قدرت و دانش» در این زمان پی ببرند، و تأثیر تعبیرهای متفاوت و برداشتهای مختلف از آن رابطه را در فهم یک موضوع ناآشنا دریابند.

کتاب سرپوشی بر اسلام در پی ایجاد دانشی است که هوشمندان غرب را به تفکر و تأمل وادارد، تا با مشاهده جنبه های مختلف و گوناگون یک فرهنگ ناآشنا، در عین حال متوجه نحوه تعبیرها و تفسیرهای غرض آلودی شوند که هدفشان نه تنها خدمت به دانش و جامعه نیست که منحصرأ در مسیر انقیاد علم به قدرت است. نویسنده امیدوار است از این راه دانشی پدید آید که در خدمت همه انسانها و فرهنگها باشد و با رشد آن دانش احساس مسئولیتی همگانی در حفظ آن نیز به وجود آید.

ادوارد سعید می گوید «وقت آن رسیده است که پیوند محکم میان شرح فتوحات و سلطه قدرتمندان بر شرق با نحوه معرفی اسلام در غرب - به صورت فعلی - گسسته گردد. و گرنه غرب با بحرانی طولانی تر و بدتر، و چه بسا با جنگ، مواجه خواهد شد. بحرانی، و احتمالاً جنگی، که برای مسلمانان و دولتهای اسلامی ارمغانی جز رنج و طغیانهای مصیبت بار نخواهد داشت. و حال آنکه با گسستن این پیوند می توان امیدوار بود که اسلام، با آمادگی کامل، نقشی را که به اقتضای تاریخ و ماهیتش می تواند همراه سایر فرهنگها برای کل بشریت داشته باشد ایفا نماید.» امید است آرزوی نویسنده تحقق یابد و به هشدارهای او توجه شود، و به خواست خدا، ندای او بی جواب نماند. آمین.

۱. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران. جلد چهارم، ص ۳۲۹.

دانشمندان و متفکرانی نظیر هردر (Herder)، فیخته (Fichte) و آرت (Arndt) ابراز گشته بیشتر از هر چیزی نمایان می‌سازد. چنانکه گفتیم، در این کتاب تأکید بر روی افکار ساطع الحُصری نویسنده و متفکر ناسیونالیست عرب و مؤلف در اسات عن [مقدمه] ابن خلدون و حامی «ناسیونالیسم همه - عربی = Pan - Arab Nationalism» بیشتر است. اما از اندیشه‌ها و نظریات متفکران گذشته نیز مانند ابن تیمیه، ابن خلدون، سیدجمال الدین اسدآبادی (افغانی)، شیخ محمد عبده، رشید رضا، شیخ مصطفی عبدالرازق، و علی عبدالرزاق (بویژه عقیده او در باب اسلام و خلافت) و بسیاری از شخصیت‌های فکری معاصر عرب، و نیز احزاب گوناگون عربی، جابه جا، ذکری شده و بحثی به میان آمده است.

از خصوصیات عمده مؤلف، واقع بینی سیاسی و اتکاء زیاد وی بر مدارک و مآخذ شرقی و غربی است.

خوردند و خیال باطل آنان درباب خیرخواهی آنها زایل گشت. آنگاه نشان می‌دهد که میان آثار و شخصیت ساطع الحُصری، ناسیونالیست عرب، و ناسیونالیسم رمانتیک آلمانی در سده نوزدهم میلادی چه رابطه‌ای هست و چگونه این دانشمند وطن دوست در آثار خویش به آلمان‌ها و سیاست خارجی آنها در ارتباط با جهان سوم، بویژه خاورمیانه، تمایل یافت و همفکرانی پیدا کرد، و آن گروه چگونه دوستی با دولت آلمان را بر دوستی دولتن انگلیس و فرانسه ترجیح نهادند.

اما پس از بحث دراز، طیبی نتیجه می‌گیرد که با وجود نقش مهم و حیاتی ناسیونالیسم در قیام جهت کسب استقلال ملی، همین فکر منتهی به مرامی شده است که به نظر می‌رسد مانع «تحریر» یعنی آزادی بیشتر اجتماعی و سیاسی می‌گردد. مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید که هدف خود را در انجام این تحقیق در نکات زیر متمرکز کرده است:

«نخست کوشیده‌ام تئوریهای مربوط به ناسیونالیسم را در ارتباط با مجتمعات غیر غربی یعنی کشورهای جهان سوم مورد بحث قرار دهم و بکوشم که تعریف ناسیونالیسم را از نظرگاه علوم اجتماعی جدید به دست دهم. برای این منظور، تحقیقی در ظهور ناسیونالیسم در اروپا، و ادبیات نظری در جهان سوم، کرده‌ام. بر این اساس کوشیده‌ام تا قالبی بیابم که در درون آن بتوانم مواد تاریخی مربوط به ناسیونالیسم عربی را بررسی کنم.

«در مرحله دوم، کوشیده‌ام تا طرحی از ناسیونالیسم عرب ارائه کنم. در این قسمت سه مرحله تشخیص داده‌ام: اولاً تجدید حیات ادبی و لسانی، که در این مرحله، روشنفکران غربزده عربی به نوعی از شعور ملی (نهضت) رسیده‌اند؛ ثانیاً در سیاسی کردن یعنی جنبه سیاسی دادن به این رُئسانس ادبی، و تبدیل ناسیونالیسم ادبی به سیاسی، و سرانجام به منطبق کردن و محدود کردن این ناسیونالیسم سیاسی به نیاز اعراب جهت تشکیل دولت متحد و ملی عرب کوشیده‌ام.

«هدف سوم من این بوده است که گسترش آنچه را که خود «آلمان‌گرایی عرب = Arab Germanophilia» می‌نامم نشان دهم و موارد و امکانات آن را شرح کنم. بدین معنی که تغییر مسیر روشنفکران عربی را از طلب آزادی ملی به روال انگلیسی و فرانسوی به سبک و روال آلمانی و بر پایه ناسیونالیسم رمانتیک شایع در آن کشور در سده نوزدهم روشن سازم. برای این کار، مخصوصاً به آثار کلان و متعدد ساطع الحُصری بسیار تکیه کرده‌ام. چه افکار او، تأثیر نیرومند مفهوم آلمانی ملیت را که به وسیله

Issues in the Islamic Movement

Edited by
KALIM SIDDIQI

Newsmagazine of the Islamic movement
Crescent
INTERNATIONAL

مسائل نهضت اسلامی ۱۹۸۰-۱۹۸۱
(۱۴۰۱-۱۴۰۰)

Issues In the Islamic Movement 1980 - 1981 (1400-1401). Edited by Kalim Siddiqi, The Open Press Limited, London, 1982. 408 p.

مرتضی اسعدی

«نهضت اسلامی نظام یا سیستم جهانی باز و گسترده‌ای است که در آن هر فرد مسلمان و یا گروه‌های مسلمانان آگاهانه در جهت

استشهاد نوشته‌هایش هوادار و دوستدار انقلاب اسلامی ایران است چرا که اینک ایران اسلامی را طلایه‌دار نهضت جهانی اسلام می‌داند. او معتقد است که چون انقلاب اسلامی ایران در آینده راهنما و الهام‌بخش نهضت اسلامی خواهد بود، باید ضرورتاً مورد بررسی عمیق قرار گیرد و از این رو می‌نویسد: «پژوهشهای آکادمیک در جنبش اسلامی عمر بسیار کوتاهی را از سرگذرانده است. هر گام نهضت انقلابی اسلامی بایستی دقیقاً ثبت و ضبط و تجزیه و تحلیل شود.» (همانجا، ص ۱۱، ۱۲).

وی در یکی دیگر از کتابهایش که پیش از انقلاب اسلامی ایران نوشته، اظهار کرده است که دولتهای ملی کنونی کشورهای اسلامی ادامه نظام استعماری اند و اساساً با اهداف تمدن اسلام مغایر و مبینند. (انسوی دولتهای ملی مسلمان، لندن، چاپ دوم، ۱۹۸۰). در جای دیگری در تأیید و تکمیل این نظر می‌گوید که «نهضت اسلامی یک نظام جهانی است. انقلاب اسلامی [ایران] مسلمانان را در طریقی قرار داده که امت اسلامی را مقدم و فراتر از دولتهای ملی مسلمان بدانند.»

آثار دیگر کلیم صدیقی عبارتند از: درگیری، بحران و جنگ در پاکستان (۱۹۷۲)؛ بسوی مقصدی نوین (۱۹۷۴)؛ عملکردها و تبعات ناسازگاری بین‌المللی (۱۹۸۰)؛ چه کسی در پاکستان شکست خورده است؟؛ ایران: دست‌آوردها، موانع و اهداف (۱۹۸۰)؛ بررسی سیستماتیک نهضت اسلامی (۱۹۸۰)؛ آن سوی دولتهای ملی مسلمان (۱۹۷۷)؛ و وضع کنونی جهان اسلام (۱۹۸۰). و کتاب حاضر که به ویرایش اوست.

کتاب مسائل نهضت اسلامی هم‌گامی است در جهت ثبت و ضبط و تجزیه و تحلیل مسائل مطروحه در بستر تطور نهضت اسلامی. این کتاب مجموعه ۱۱۲ مقاله منتخب (به انتخاب ویراستار) از مقالات نشریه اسلامی انگلیسی زبان کرسنت اینترنشنال (چاپ تورنتوی کانادا، به سر دبیری ظفر بنگاش پاکستانی) است. این مقالات همگی در یکساله نخست تأسیس این نشریه، یعنی از اوت ۱۸۹۰ تا اوت ۱۹۸۱ (مرداد ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۰) به رشته تحریر در آمده است.

کرسنت از بدو تأسیس خود را «نشریه خبری نهضت اسلامی» اعلام کرده، و به تصریح دکتر کلیم صدیقی و تأیید بسیاری از صاحب نظران در همین مدت کوتاهی که از تأسیس آن می‌گذرد «نه تنها توانسته بخوبی در جهت تأمین اهداف اعلام شده اش گام بردارد، بلکه روزبه‌روز کیفیت کار خود را بهبود بخشیده و سطح ژورنالیسم اسلامی بزبان انگلیسی را بحد بی‌سابقه‌ای ترقی داده

وحدت بخشی و یکپارچه سازی امت اسلامی تحت یک نظام رفتاری و عملیاتی با آرمان و هدف واحد، عمل می‌کنند.» این تعریفی مجمل و موجز از نهضت اسلامی است که دکتر کلیم صدیقی، ویراستار کتاب مسائل نهضت اسلامی در یکی از کتابهای خود تحت عنوان بررسی سیستماتیک نهضت اسلامی (چاپ ۱۹۸۰) ارائه می‌کند. او که رئیس مؤسسه تحقیقات اسلامی لندن است در جای دیگری (صفحه ۵ مقدمه کتاب انقلاب اسلامی در ایران، مجموعه چهار سخنرانی از پروفیسور حامد الگار) راجع به نهضت اسلامی می‌گوید: «نهضت اسلامی در وسیعترین مرحله خود تمامی امت اسلامی را در برمی‌گیرد و در محدودترین مرحله دربرگیرنده آن بخش از امت است که بیش از همه به جانب مقصد غائی و هدف نهائی پیش رفته باشد. حوالی یک سال پیش و یا جلوتر از آن مشکل می‌شد لبه تیز و بخش طلایه‌دار نهضت اسلامی را مشخص کرد، اگر چه تعدادی از گروههای متشکل و سازمان‌یافته (ی اسلامی) خود مدعی طلایه‌داری نهضت اسلامی بودند. این گروهها منجمله شامل جنبشها و احزابی نظیر «اخوان المسلمین» در کشورهای عربی و «جماعت اسلامی» در پاکستان می‌شدند. برخی از دولتهای ملی نواحی مسلمان نشین نیز داعیه اسلامی بودن داشتند.»

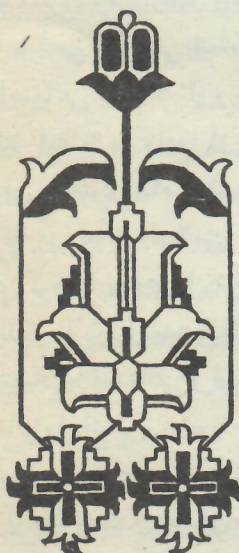
صدیقی سپس با ترسیم چشم‌انداز نوین کننده‌ای که در آخرین دهه قرن چهاردهم و استانه قرن پانزدهم هجری پیش روی امت اسلامی گسترده بود، و به دنبال آن با تصریح به این که پیش از انقلاب اسلامی ایران، نهضت اسلامی عمیق و گسترده ولی بدون «پیشاهنگ» بوده، اذعان کرده که «تغافل چندین و چندساله ماسنیها (از وضع ایران) عمیق و گسترده بود. بدین ترتیب زمانی که طلایه نهضت اسلامی در اوائل سال ۱۹۷۸ م. / ۱۳۵۷ ه. ش. [در ایران] ظاهر می‌گشت، بخش اعظم جهان تسنن غافلگیر شد «... بناگهان، تمامی جهان (اسلام) به مرحله تاریخی بعد از انقلاب اسلامی جهید ... این جهش و تحول ناگهانی برای تمدن غرب و نظامهای سیاسی و اقتصادی مسلطش تجربه‌ای شکننده و ضربه‌ای خرد کننده بود. غرب اسلام را به فراموشی سپرده بود...» (همان اثر، ص ۹)

دکتر کلیم صدیقی که اصلاً پاکستانی و سنی است، با این که بالغ بر ۲۷ سال است که در لندن زندگی می‌کند و لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را از دانشگاههای لندن دریافت کرده، و در تعدادی از روزنامه‌های انگلیسی، منجمله گاردین، کار کرده، خود را به تعبیر فرنگی‌ها یک «بنیادگر»ی اسلامی می‌داند. او به

است.»

ویراستار این کتاب، دکتر کلیم صدیقی، در پیشگفتار کوتاهی از عملکرد یکساله این نشریه تجلیل کرده و می‌گوید «این نشریه به نحوی بدیع به کار کشف، گزینش، گزارش و تفسیر امور و مسائل جاری [جهان اسلام] پرداخته... محتوی و شیوه کار آن کاملاً بدیع و بت شکنانه است. و هم از این رو انتخاب [و چاپ] گزیده‌ای از مقالات این نشریه «دوباره کاری» نیست. مقالات توسط صاحب نظرانی نوشته شده است از سراسر جهان، که با این نشریه همکاری می‌کنند و عموماً حاوی آرای است که در مورد آنها نویسندگان و سایر گردانندگان نشریه اتفاق نظر دارند. این کتاب سهم بسزائی در رشد ادبیات مربوط به نهضت اسلامی و چشم انداز جهانی آن دارد.» ضمناً، خود ویراستار نیز طی مقاله مبسوط و مفصلی در آغاز این مجموعه، تحت عنوان «نهضت اسلامی دیگر بار چهره جهان را تغییر می‌دهد»، نهضت اسلامی را کاملاً معرفی کرده و برخی از اهداف کوتاه مدت و بلند مدت آن را برشمرده است.

سخن کوتاه، هم نشریه کرسنت اینترنشنال که حدود دو سال و اندی است تأسیس یافته و هم مؤسسه اسلامی لندن که پیش از ده سال از عمرش می‌گذرد اینک به انقلاب اسلامی ایران به چشم یک الگوی عملی و نقطه اتکا و عزیمت می‌نگرند و آن را در کانون توجه خویش دارند. این امر علاوه بر این که می‌تواند از برخورداری آنها از برکات این انقلاب حکایت داشته باشد، در عین حال ما را بیشتر به نقش خطیر، حساس و پر مسئولیت ایران اسلامی، بعنوان راهبر نهضت جهانی اسلام، واقف می‌سازد. بی تردید ترجمه و نشر کارهای این دو نهاد اسلامی خالی از فایده نیست و، شاید، حتی به ایضاح و ایفای مسئولیت خطیر طلایه‌داری نهضت اسلامی نیز مددی برساند. اگرچه خود کلیم صدیقی در دیداری در تهران معتقد بود که این کار برای عربها لازمتر است چرا که ظاهراً آنها نیاز بیشتری به یافتن این گونه آگاهیها دارند. علی ای حال، محض مزید اطلاع از سیاق کار نشریه و کتاب مزبور (که می‌تواند کار مشترک دو نهاد اخیرالذکر تلقی شود)، یکی از مقالات کتاب را در همین شماره نشر دانش ترجمه کرده‌ایم.



«سرمشقی» در حال تکوین

نقل از کرسنت اینترنشنال (۱۵-۱ ژوئن ۱۹۸۱) مندرج در کتاب

Issues in the Islamic Movement 1980-81 (1400-1401) pp. 328-333

نوشته: سعی نیازی

روز بیست و پنجم آوریل ۱۹۸۱ کنفرانس يك روزه ای در لندن برگزار شد و در آن اندیشه‌هایی که به وسیله صاحب نظران مؤسسه تحقیقات اسلامی لندن طی ده ساله گذشته بسط و گسترش یافته بود مطرح گردید. موضوع این کنفرانس «نهضت اسلامی پس از انقلاب» [اسلامی ایران] بود و این درست مقارن وقتی بود که دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران جشن گرفته می‌شد. مؤسسه اسلامی لندن از سالها پیش، و خیلی پیشتر از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران، با تأکید تمام نهضت اسلامی [ایران] را به عنوان يك برنامه فعالیت اجتماعی برای «پیاده کردن» پیام و سیره پیامبر اکرم (ص) در شرایط موجود، و به منظور برقراری تمدن پویای نوی به جای جاهلیت جدید، معرفی کرده بود.

مؤسسه معتقد شد که در قبال تمدن مغرب زمین نیز باید موضعی روشن و قاطع داشته باشد: تمدن غرب (که شامل جهان کمونیست هم می شود) پس از پشت سر گذاشتن حدود ۲۰۰ سال رشد و سلطه جهانی بی وقفه، هنوز هم از ایجاد چارچوب استواری جهت هماهنگی اجتماعی، تعالی اخلاقی و روحی و صلح بین المللی عاجز است. بزرگترین ارمغان [این تمدن]، یعنی تولید کالاها و خدمات، در سطحی پیش بینی نشده است که خود مایه به وجود آمدن روابطی اجتماعی گشته که تار و پود اخلاقی شخصیت انسان را تباه ساخته است. در واقع، از طریق تمدن غربی، هیچ گونه پیشرفت کیفی و معنوی حاصل نشده است. حال آن که، نظم اجتماعی ای که در تعالیم اسلامی ارائه می شود موجب هماهنگی میان افراد، گروهها و «عوامل تولید» است. ولی بشر امروز چگونه می تواند [و یا باید] تمدن اسلامی را «باز بیابد»؟ سنت عقلی، اقتصادی، اجتماعی و ابداع سیاسی اسلام که زمانی کمال قوت و تعالی را داشت امروزه به طور نومید کننده بی به رکود و رخوت گراییده است. و چون تمدن اسلامی، بطور کلی، از بسط و گسترش اصول عمده «مشکل گشای» علمی قصور ورزیده است، لذا مشکل می توان افراد مسلمان را بسبب گرایش به غرب ملامت کرد. ولی اکنون ما با مسلمانان «لیبرالی» سروکار داریم که به هیچ وجه نمی توانند جهان بینی خود را متمرکز به غرب نکنند، و «سنت گرایانی» که خواهان جهانی «اسلام مدار» هستند ولی از روزگار دراز به اشتغالات فکری نامربوطی گرفتار شده اند. بقیه مسلمانها هم چنان هستند که حتی نمی توانند فراتر از مسائل و گرفتاریهای روزمره خود به چیزی بیاندیشند.

از این رو، مؤسسه اسلامی [لندن] احیای سنت تحقیق اسلامی را برای ارائه يك چارچوب فکری و فلسفی که از وضوح و مقبولیت عقلی و منطقی لازم برخوردار بوده، و بتواند بخش معتابهای از مسلمانان فرق و مذاهب مختلف را برانگیخته و متحد سازد، ضروری تشخیص داده است. این مؤسسه معتقد است که همه علوم اجتماعی و فلسفه هایی که ما امروزه می شناسیم با نیازهای امت اسلامی ناسازگارند و باید يك معرفت شناسی جدید بسط و گسترش بیابد و آن معرفت راستین اسلامی است. این مؤسسه همین طور همسانیهایی ملی-دنیوی و فلسفه های

سرمایه داری - مردم سالاری و نیز مارکسیسم را مردود و مطرود می شمارد. مؤسسه اسلامی پیوسته بر این اعتقاد بوده که «آسیبها و آفات موجود در اجتماعات مسلمان آنقدر وسیع است که ترمیم و اعاده نظامات اجتماعی موجود در آنها نه ممکن است و نه حتی مطلوب؛ تنها شق معقول عبارتست از طرح و ایجاد نظامهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بی که اساساً با همه نظاماتی که امروزه در اجتماعات مسلمان در سراسر جهان وجود دارد، متفاوت باشد» (طرح پیشنهادی، مؤسسه اسلامی، ۱۹۷۴).

در حالی که اقدامات وسعت طلبانه اختناق آمیز و قدرتهای بزرگ هر روز بهتر و بیشتر فهمیده می شود قواعد و اقداماتی که جهت آزاد سازی لازم است، کمتر شناخته می شود، بویژه بوسیله مسلمانان. این نکته بویژه توسط «اقبال آساریا» در کنفرانس مطرح و تأکید گردید. وی اشاره کرد که باید ضربه نهایی را به همان ترتیبی که [ایران اسلامی] بر شاه مدفون و رژیم وی وارد ساخت، برپیکر آخرین نمایندگان و کارگزاران استعمار، یعنی حکومتهای نسل کتونی کشورهای مسلمان، وارد کنند. او توضیح داد که وظیفه مؤسسه اسلامی شناخت و تعیین سرچشمه های پویایی جدید در نهضت اسلامی است - پویایی و تحرکی که در پی ایجاد يك محیط اسلامی تازه و مجتمع اسلامی جدیدی است، و مسلمانان را به سرنوشت خاص خودشان واقف ساخته است. امروزه مسلمانان تنها با دریافت مبهم و ناآگاهانه ای از تاریخ و با تعهدی نامؤثر و ضعیف، اصول ویژه و کهن زندگانی خود را رها کرده اند. کار [رسالت] مسلمانان صاحب نظر دانشگاهی ما در این زمینه تازه شروع شده است.

قواعد نظری و اندیشه های دکتر کلیم صدیقی تا کنون به فهم نهضت اسلامی و نیز درك انقلاب اسلامی [ایران] بسیار کمک کرده است. وی در کنفرانس مذکور این نظر را به تفصیل بیان داشت که اسلام خود مظهر و تجلی تغییر است و باید نهضت اسلامی را

بعنوان ابزاری برای تغییر و تحول تلقی نمود. ولی، اسلام، برخلاف هر «ابزار تغییر» دیگری، حاوی مجموعه ثابتی از ارزشهاست که در نظام اعتقادی آن نهفته است. معهذا، روابطی که به واسطه این ارزشهای ثابت به وجود می آیند انعطاف پذیر و پویا هستند. ترکیب این ارزشهای ثابت، که در قرآن مجید و سنت رسول اکرم (ص) گرد آمده، و نیروهای پویای تکاملی و انقلابی تاریخ، نهضت اسلامی را به وجود می آورند.

وی براین نکته نیز تصریح و تأکید نمود که شیوه تحول و دگرگون شدن شبه جزیره عربستان پس از نخستین نهضت اسلامی نیز به خودی خود بخشی از رسالت پیغمبر اکرم (ص) بوده است. نهضت اسلامی جدید نیز باید تحول مشابهی در عصر حاضر را مورد نظر داشته باشد. او در جای دیگری گفته است که اسلام در آغاز بعنوان يك نهضت تجلی یافت و همواره يك نهضت بوده، و مسلماً با نهضت و رشد انسان پیوند داشته است.

دکتر صدیقی در تلاش برای تعریف نهضت اسلامی معتقد بود «نهضت اسلامی عبارت است از مبارزه مسلمانان برای تأسیس، ابقاء، اكمال، دفاع، تعمیم و توسعه یا استقرار دوباره دولت اسلامی بمثابة ابزاری برای امر به معروف و نهی از منکر به منظور تأمین سعادت و بهروزی و رستگاری نوع بشر در دنیا و عقبی». با این حال، وی خاطر نشان کرد که اگرچه ممکن است دولت اسلامی متداوم و ماندگار نباشد، ولی نهضت اسلامی مستمر بوده و از میان رفتنی نیست.

دکتر کلیم صدیقی گفت که نهضت اسلامی در حال حاضر جهت یافته و دو قطب متضاد پیدا کرده است. جناحی کماکان ریشه در ناسیونالیسم، «اسلامی کردن جزئی» و لیبرالیسم غربی، و نظایر آن دارد، ولی جناح دیگر به تاسی از سیره و سنت حسن البناء، عثمان دان فودیو، سید احمد شهید، سید قطب و امام خمینی، در حال حاضر انقلابی است. برای پیکار با این استقطاب، جهت-یابی یا بسیج همگانی مسلمانان در این نهضت اسلامی ضروری است. اسلام، بدون دولت اسلامی ناتمام، و مسلمان، بدون مشارکت در نهضت اسلامی و نهضت دائمی اسلام، به يك معنا «ناتمام» است.

با کوششهای مؤسسه اسلامی لندن انقلاب اسلامی به تفصیل و دقت بسیار بررسی، ایضاح و تعریف شده است. این معنا در اجتماعی مصداق می یابد که تمامی مسلمانان آن بسیج شوند و اراده و تلاش جمعی شان مقاومت ناپذیر و غیرقابل تسخیر باشد، و رهبری آن اجتماع به نحوی بارز نسبت به تأمین اهداف تمدن

اسلامی احساس تعهد کند. يك چنین رهبری نباید هیچگونه مطامع و منافع طبقاتی و یا نظایر آن داشته باشد. بدین ترتیب، نیروهای آزاد شده توانایی بازسازی اجتماع را در تمام سطوح می یابند و با این چنین نظم اجتماعی به احتمال زیاد خواهد توانست اعتماد و اقتدار لازم را برای معامله با جهان خارج بنا بر شرایط خود بیابد.

پیام و رسالت انقلاب اسلامی جهانی است، ولی هر پیام و رسالتی پیش از آن که بتواند به نحوی مؤثر اقبال، شناسایی و پذیرش عمومی را جلب کند بایستی معیار یا موازینی عملی داشته باشد. ضمناً، دولت اسلامی نیز ناگزیر خواهد بود جهت تأمین و تضمین بقا و دوام خود روشهای مختلفی برای سلوک با جهان خارج به کار بندد. موضع اسلام در مورد رابطه با غیر مسلمانان کاملاً روشن است، در سطح افراد حقوق العباد به طور یکسان شامل همه مسلمانان و غیر مسلمانان می شود و در سطح اجتماعی نظام اجتماعی اسلامی باید توانایی طرد و نفی تمامی پس ماندنهای مرامی تمدنهای پیشین و نیروی درهم شکستن تجاوز را داشته باشد.

این جهان کمابیش نظری ای که مؤسسه اسلامی خطوط اساسی آن را ترسیم می کرد اینک تجسم عینی خود را در انقلاب اسلامی ایران باز یافته است. ناگهان نهضت اسلامی به موفقیتی دست یافت که باید در داستانها بگویند. این انقلاب می تواند مطلع ظفرمندانه و حیاتی لازم برای بیرون کشیدن مسلمانان از «التباس و اعتذار دوره بعد از استعمار» باشد. هرگام این نهضت انقلابی اسلامی باید به دقت ثبت و تجزیه و تحلیل شود. انقلاب [اسلامی] ایران تا دیر زمان الهام بخش و راهنمای نهضت اسلامی خواهد بود. به تعبیر دکتر کلیم صدیقی هیچ «هنجار» [یا قاعده] شناخته شده ای وجود ندارد که بتوان با شتاب انقلاب اسلامی ایران را بدان باز گردانید و یا نسبت داد؛ «[این] انقلاب خود باید يك هنجار و معیار گردد». وضع ایران باید دقیقاً مورد تأمل و بررسی قرار گیرد،

چرا که پیروزیها و اشتباهات این انقلاب برای کل نهضت اسلامی بسیار آموزنده خواهد بود. اقبال آساریا به این نکته اشاره کرد که آنچه این انقلاب مقدم بر هر چیز دیگری به ما آموخته این است که مرحله بعدی تاریخ مطمئناً باید عبارت از استقرار حکومتهای توده‌های مسلمان باشد که از نهضت اسلامی نشأت گرفته باشد. این نهضت اسلامی است که در ایران به انقلاب جهت و معنی بخشیده است.

اقبال آساریا اعلام کرد که ما باید از رؤیت «اف - پانزده» ها و «آواکس» هایی که امریکا برای «نجات ما» [از خطر انقلاب اسلامی ایران] تدارک دیده، نهراسیم. «مسلمانان باید در خط اول جبهه دفاع [از این انقلاب] باشند.» در تحلیل نهایی، تنها روی مردم می‌توان حساب کرد. این بدان معنی نیست که مسلمانان هرگز نباید مسلح شوند، بلکه بدین معناست که باید اولویت‌هایشان را بشناسند. اگر ایران مورد هجوم قرار گیرد همه امت مسلمان برای دفاع از آن قیام کنند. اساس نهضت اسلامی نمی‌تواند چیزی جز یک نهضت جهانی باشد، و اسلوب کار آن نیز باید این هدف را منعکس سازد. ظفرالاسلام خان، که از جمله اعضای مؤسسه اسلامی است، در کنفرانس مزبور راجع به ملت‌گرا کردن و غربی کردن اجتماع مصری سخن گفت. اعتقاد وی بر این بود که «نسل پنجم» مصریهای غیر دینی شده اینک آماده گسستن این یوغ اند. وی همچنین توضیح داد که کودتاهای ملهم از سازمان سیا، چگونه توانست دیکتاتورهای نظامی را یکی پس از دیگری در عراق، سوریه و مصر به قدرت برساند. و این در حالی بود که دیکتاتورهای سلطنتی نیز بر ایران و اردن تحمیل شده، و رشد سرطانی غده دولت نمای صهیونیسم در منطقه با حمایت تجهیزات نظامی انگلیس و امریکا تأمین و تسریع می‌گردید. مردم مسلمان خاورمیانه با اندیشه خام «عربیسیم» تغذیه می‌شدند و از این رو هرگونه تلاشی برای ادغام و اتحاد ایشان با بقیه امت مسلمان عبث می‌نمود و عقیم می‌ماند.

ظفر بنگاش، سردبیر نشریه کرسنت اینترنشنال، اجمالاً راجع به این که چگونه رؤیای اسلامی پاکستان به یک کابوس و خواب آشفته بدل شده، و به اصطلاح «تجددخواهان» و «سنت‌گرایان» در این کشور شدیداً به افراط و تفرقه گراییده‌اند، سخن راند. سید مهدی حکیم، پسر مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم از عراق، خطوط اصلی نهضت اسلامی عراق را ترسیم نمود، و توضیح داد که چرا برای ابقای بعضیها بر اینکه قدرت این قدر تلاش می‌شود: شکست و سقوط صدام به واژگونی تمام حکام عرب کشورهای

خلیج فارس خواهد انجامید، و از این روست که حکام مستبد منطقه این چنین وحشت‌زده از صدام حمایت می‌کنند.

سیدمهدی حکیم به تناقضات و ناسازگارهای فاحش سیاستهای رژیمهای این منطقه نیز اشاره کرد. وی تأکید کرد که همان‌گونه که امام خمینی گفته‌اند، مشکلات مسلمانان در واقع حکومتهایی هستند که خودشان را بر این مردم تحمیل کرده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران دلیل روشنی بر این واقعیت بود که توده‌های مسلمان، در اتحاد و پیوند با علما، دانشجویان و کارگران، می‌توانند بنیادی‌ترین دگرگونی و تحول را در کل اجتماع ایجاد کنند. چنین مبارزه‌ای برای یک طبقه بخصوص نبوده و نیست، بلکه برای تمامی امت اسلامی است.

برگزاری کنفرانس مزبور مؤید اصرار همیشگی مؤسسه اسلامی لندن بر نفی انتساب این مؤسسه به هر بخش «ملی» یا «قومی» امت اسلامی بود، و حضور در آن تصدیق این موضع. شرکت کنندگان در این کنفرانس به راستی نمایندگان همه امت اسلامی از سراسر جهان بودند. هرکدام از این شرکت کنندگان ۱۲/۵۰ دلار برای شرکت در این کنفرانس یک روزه پرداختند. این مؤسسه همه امت اسلامی را مخاطب خود قرار داده است و استقلال و عدم وابستگی خود را به هر منبع قدرت یا ثروتی حفظ کرده است.



زمین، و دوم وسطی، مثل اجتماع امتی در جزوی از معموره زمین. سیم صغری، مانند اجتماع اهل یک شهر در جزئی از مسکن یک امت. و اجتماع غیر کامل، مانند اجتماع اهل ده و اهل محله یا کوچه یا خانه. و فرق آنست که قریه مثل خادم مدینه است و محله جزو آن است و کوچه جزو محله است و خانه جزو کوچه است. و جمیع اهل مداین و مساکن امتها اجزاء اهل معموره اند.

و خیر افضل و کمال اقصی رسیده می شود به مدینه فاضله و امت فاضله که همه شهرهای آن امت اعانت می نمایند یکدیگر را بر نیل غایت حقیقه و خیر حقیقی، نه در مدینه ناقصه و امت جاهله که در رسیدن به شرور یکدیگر را اعانت نمایند.

پس مدینه فاضله به بدن تام صحیحی شباهت دارد که همه اعضای آن در تمیم حیات یکدیگر را معاونت می کنند. و در آن اعضا، یک عضو رئیس است که قلب است. و مراتب قرب اعضا دیگر به این رئیس متفاوت است. و برای هر یک از آنها قوه ای هست که به آن قوه فعلی می کند که غرض آن عضو رئیس به آن تمام می شود. و بعضی بی واسطه عضوی دیگر و بعضی به واسطه، یعنی افعال ایشان بر طبق غرض اعضائی است که بی واسطه خدمت رئیس می کنند، و اینها در مرتبه ثانیه واقع اند. و بعد از این اعضائی هستند که فعل می کنند بر مقتضای غرض اعضائی که در مرتبه ثانی واقع اند و آنها در مرتبه ثالثه واقع اند، و همچنین تا آنکه به اعضائی می رسند که خادمند و بر هیچ عضو ریاست ندارند.

و همچنین اجزای مدینه به حسب فطرت و طبایع مختلف اند و در هیئات متفاضل، به حسب عنایت باری تعالی بر بندگان خودش، و به حسب وقوع ظلالی از نور صفات علیا و اسماء حسنا یا او بر عباد و بلادش، مثل وقوع ظلال صفات نفس ناطقه و اخلاق آن بر خلائق بدن و بلاد آن از قوی و اعضا. پس در مدینه انسان واحدی هست که رئیس و مطاع است و دیگران در قرب به آن متفاوتند، و برای هر یک هیئت و ملکه ای هست که به آن فعلی می کند که مقصود رئیس به آن منوط است. و این گروه اول مراتبند، و بعد از ایشان گروهی دیگرند که بر طبق مقصود این گروه فعل می کنند. و همچنین اجزای مدینه مترتب است تا آنکه منتهی می شود

| | | |
|--------------------------|------------|------------|
| عظمی (همه مردم) | } کامل | } اجتماعات |
| وسطی (یک امت) | | |
| صغری (اهالی یک شهر) | | |
| اهل ده، محله، کوچه، خانه | } غیر کامل | |

مبدأ و معاد یکی از آثار مهم و بعد از اسفار بزرگترین کتاب فیلسوف و حکیم متأله ایران صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدراست.

استاد جلال الدین آشتیانی این اثر را تصحیح کرده و همراه یک مقدمه به چاپ رسانده است (تهران، ۱۳۵۴). این کتاب در قرن سیزده توسط سید احمد حسینی یزدی به فارسی ترجمه شده است و آقای عبدالله نورانی آن را تصحیح کرده و برای چاپ و نشر در اختیار مرکز نشر دانشگاهی قرار داده است. ترجمه فارسی مبدأ و معاد هم اکنون در آخرین مراحل چاپ است و بزودی منتشر خواهد شد.

مبدأ و معاد مشتمل بر دو بخش (یا به قول مؤلف «دو فن») است و هر بخش به چند مقاله و هر مقاله به چند فصل تقسیم شده است. بخش اول درباره ربوبیات و بخش دوم درباره معاد و نبوت است. مطالبی که انتخاب کرده ایم و در اینجا ملاحظه می کنید از فصلهای ۷ و ۸ و ۹ از مقاله چهارم فن دوم است.

عقاید سیاسی ملا صدرا

سیاسات و ریاسات مدینه

شکی در این نیست که برای انسان ممکن نیست که برسد به کمالاتی که برای آن مخلوق شده است مگر به اجتماع جمعی کثیر که هر یک یکدیگر را در امری که به آن محتاج است معاونت نماید. و از مجموع آنها همه آنچه در بلوغ انسان به کمال ضرور است مجتمع گردد.

و به این سبب اجتماعات برای انسان حاصل می شود که بعضی از آنها کامل است و بعضی غیر کامل. و کامل آن بر سه قسم است: یکی عظمی، و آن اجتماع جمیع افراد ناس است در معموره